

در گفت‌وگو با محمدعلی بصیری نیک

کارگردان انیمیشن «ساعت جادویی» مطرح شد

هویت ایرانی برای نسل نو

ساعت جادویی، کلاسی درسی تاریخ متناسب با ذائقه نسل امروز

علی رحیمی <p>گروه فرهنگ و هنر</p>	اگر علاقه‌مند به سفر در زمان هستید پیشنهاد می‌کنیم انیمیشن ساعت جادویی را در جشنواره فیلم فجر از دست ندهید. این انیمیشن از تولیدات حسینیه هنر مشهد است که به کارگردانی محمدعلی بصیری‌نیک و تهیه‌کنندگی محمد مهدی نغی‌راد و ناصر جاهدنیا تولید شده و قرار است ما را در یک گذر تاریخی، چند نسل به عقب ببرد و شرایط حاکم بر زندگی، آداب و رسوم، فرهنگ و خرده فرهنگ‌های کهن ایران را به نسل امروز نشان دهد. این انیمیشن که مدتی پیش با عنوان «سفر به تاریکی» در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان اکران و توانسته بود جایزه ویژه گوهرشاد این خود کند، حالا با اندکی تغییر به جشنواره فجر آمده تا میزبان علاقه‌مندان و تا ۱۵ سال شود. در خصوص این انیمیشن گفت‌وگویی با کارگردان جوان آن انجام دادیم و در خصوص این اثر و دغدغه‌های تولید آن پرسیدیم.
--	--

۱۶۱ از قصه ساعت جادویی شروع کنیم؛ خط سیر این قصه را بگویید.

خط سیر داستان ما به سبک زندگی، فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و مشاغل برمی‌گردد که در گذشته وجود داشته یا به صورت ناقص به نسل‌های بعدانتقال پیدا کرده‌اند یا به دلایلی از بین رفته‌اند. داستان در باره پسری به نام عماد است که از پدر بزرگش یک ساعت جادویی هدیه می‌گیرد، موفق به سفر در زمان می‌شود و به دوران کودکی پدر بزرگش می‌رود. در این سفر، این پسر بچه شغل خانوادگی خودشان یعنی نمدمالی را از نزدیک می‌بیند که در گذشته رونق بسیاری داشته است و به آن علاقه‌مند می‌شود. او همچنین در این مسیر اطلاعاتی از نوع پوشش، سبک زندگی، مشاغل و... را با خود به زمان حال می‌آورد و پس از بازگشت، به پدر بزرگش می‌گوید ما می‌توانیم شغل خانوادگی خود را رونق دهیم و هویت خود را به نسل بعد انتقال دهیم. کلیت داستان در این مورد است. البته داستان نیم‌نگاهی به قیام گوهرشاد نیز دارد و پسر بچه بخشی از حوادث تاریخی را به چشم خود می‌بیند.

۱۶۲ دغدغه شما از ساخت این انیمیشن چه بود و چه احساس نیازی برای ساخت این اثر دیدید؟

دغدغه اصلی ما برای تولید این اثر این بود که به نسل امروز بفهمانیم ما برای خودمان هویت داریم. وقتی آثار هنری که توسط کشورهای دیگر تولید می‌شوند را می‌بینیم که آنها بیشتر دنبال آن هستند برای خود هویت، شخصیت و

فرهنگ بسازند اما ما برای خودمان تاریخ و هویت داریم، فرهنگ غنی داریم، معماری داریم، نوع پوشش خودمان را داریم، سبک زندگی خودمان را داریم و اگر به آنها بها داده شود و مورد توجه قرار گیرند، قطعاً به نسل جدید در مسیر زندگی کمک شایانی خواهد کرد. البته مطمئناً کار زیادی برای تحقق این هدف داریم؛ هنوز هم جادارد روی این زمینه کار شود تا نسل امروز را متوجه کنیم چقدر جذابیت‌ها روی فرهنگ خودمان وجود دارد و این می‌تواند برای ما باشد.

۱۶۳ ویژگی‌های خاص اثر شما این بود که به جای تمرکز بر روایت داستان‌های غیرواقعی یا کاراکترهای ابرقهرمان که کانون توجه خیل کثیری از انیمیشن‌سازان جهان برای جذب کودک و نوجوان است، به تاریخ ایرانی نقب زدید و به نوعی روشنگر هویتی کردید، تا آنجا که می‌شود گفت ساعت جادویی به نوعی یک کلاس تاریخ است، آیا حس نکردید شاید مخاطب خیلی به تماشا نداشته باشد؟

از بچگی دغدغه من همیشه این بود که چرا یک کلاس تاریخ همیشه برای بچه‌ها حوصله سر بر است، مثلاً خود من همیشه از کلاس‌های تاریخ نهایت لذت را می‌بردم اما زمان امتحان همیشه می‌ماندم که باید چه کنم، چرا که من جنبه داستان‌گویی تاریخ را دوست داشتم تا این‌که بخواهم تک‌تک موضوعات را تحلیل کنم، به همین دلیل حس کردم اگر بتوانیم یک روایت تاریخی را طوری بیان کنیم که مخاطب جذب شود و ملکه ذهنش باشد و نیازی نباشد به متون خشن تاریخی رجوع کند برای نسل امروز کارساز خواهد بود چون نسل امروز نسلی است که به جای کتاب، پادکست گوش می‌دهد. ترجیح می‌دهد ویدئویی کوتاه را به جای یک محتوای طولانی ببیند و سرعت برایش مهم است. برای همین احساس کردم با یک تصویر جذاب و نوع روایت جذاب برای بچه‌ها بیان کرد. در حقیقت امتیاز کار ما این بود که سعی کردیم یک واقعه تاریخی را اگر به شکل متن باشد و کسی حوصله خواندن آن را نداشته باشد، به تصویر بکشیم و سعی بر این داشتیم که با یک تغییر جذاب، مخاطب کودک و نوجوان را پای یک محتوای تاریخی که بتواند از این فیلم درس بگیرد،

اگر اتفاقی بوده که می‌تواند به آینده‌اش کمک کند از آن وام بگیرد، اگر چیزی بوده که آسیمی به جامعه یا فرد رسانده است باز هم از آن درس بگیرد تا آن اشتباه را تکرار نکند.

۱۶۴ اما نوع نگاه‌تان به برخی وقایع مثل توجه به پوشش حجاب یا رویداد گوهرشاد این ذهنیت را به مخاطب می‌دهد که به دنبال واکاوی تاریخ هستید؟ ما تلاش مان بر این بود که به مخاطب نوع پوشش را نشان دهیم. این‌که کلیت هر چیزی که هست، کسی نمی‌تواند به زور آن را تغییر دهد، حالا این می‌تواند جلیقه‌ای باشد که تن اوست کلاهی باشد که سر اوست یا چادر باشد. نگاه‌های آدم‌ها با هم متفاوت است ولی همه باید به یک درک برسیم که این پوشش مال من است، هویت من است و شخصیت من است و کسی نباید آن را به زور از من بگیرد. آنچه ما در این کار سعی کردیم به آن برسیم این بود و نخواستیم چیزی را تحمیل کنیم. در این‌که آیا مخاطب به این برسد که آیا تحمیل تاریخ شده خیر هیچ عکس العملی ندیدم. در اکران اتفاق جالبی که افتاده یکسری خبرنگار ستاد برگزاری بودند که سوالات خیلی مهمی پرسیدند ولی در این محوریت چیزی مدنظرشان نبود.

۱۶۵ تمرکز روی هویت ملی کشور داشتید، چرا این برای شما دغدغه شد. نسل جدید ما به سمت

بی‌هویتی می‌رود، احساس می‌کنید چقدر این موضوع اهمیت دارد؟ دغدغه از جایی شروع می‌شود که وقتی می‌رویم برای فرزندمان لوازم التحریر بخریم، می‌بینیم تصویر روی جلد همه دفتر و وسایل، یا باربی است یا باب اسفنجی یا... اینها خیلی جذاب و قشنگ هستند ولی مال ما نیستند. از آن طرف وقتی نگاه می‌کنیم، واقعا شخصیت‌هایی داریم، روایت‌هایی داریم، جذابیت‌هایی داریم و... که می‌توانند جایگزین آنها شود. البته فعالیت‌هایی کردیم اما کافی نیست. چیزی که من تولیدکننده محتواخودم را به آن موظف می‌دانم این است که برای نسل فردا هویتی که داریم را یادآوری کنم. ما نیازی به هویت جدید نداریم، نیاز به ساخت چیز جدید و مصنوعی نداریم، فقط لازم است آنچه را داریم به نمایش گذاریم و صداالینه آن‌که به بهترین شکل به تصویر بکشیم، از نگاه معماری، فرهنگ و سبک و پوشش جذابیت‌ها را به نمایش گذاریم

تا آنها بدانند از خودمان چیزی داریم و می‌توانیم بر آنها تکیه کنیم و در چشم‌اندازی بالاتر اگر درست پرداخت شود، آن را جهانی کنیم، اما این نیاز به یک مجموعه دارد. یعنی فقط با یک یا چند انیمیشن نمی‌شود. وقتی باربی تولید می‌شود، فیلم دارد، عکس و اسباب‌بازی دارد، در دفتر و وسایل کودکان می‌آید و...

۱۶۶ تدبیری برای تحقق این نگاه تدویرک دارید؟

تلاش‌هایی در این زمینه شده است اما قطعی نیست. ولی به صورت کلی حس می‌کنم انیمیشن‌هایی بچه‌ز رنگ، ساعت جادویی، مسافر گانورا می‌تواند شروع یک اتفاق باشد، ما قطعاً نمی‌توانیم مثل شرکت‌های بزرگ خارجی با یک کار سینمایی بازار را قبضه کنیم. نیاز به تلاش و حمایت مستمر دارد ولی امیدوارم این اتفاق بیفتد. اطلاعی نداریم تهیه‌کننده در این ارتباط چه کار کرده است اما می‌دانم او هم این دغدغه را دارد.

۱۶۷ کودکان امروز خیلی متوقع هستند چون هر اثری ساخته می‌شود یا نمونه‌های جهانی، دست به مقایسه می‌زنند، برای جلب نظر این مخاطب پرتوقع از چه ظرفیت‌هایی استفاده کردید؟

تمرکز ویژه ما در این اثر داستان‌گویی بود. متأسفانه اکثر کارهایی که در ایران در مدیوم انیمیشن ساخته می‌شود، داستان منسجمی ندارد یا زیادگویی با کم‌گویی دارد. پرش‌های داستانی متفاوتی دارد ما تمام تلاش مان در این کار این بود که یک داستان منسجم از صفر تا صد را پیش ببریم. در تصویر نیز تلاش خود را کردیم که قابل قبول باشد. در دوره و موسیقی هم همین‌طور اما تمرکز اصلی مان روی داستان‌گویی بود. اعتقاد دارم اگر داستان درست بیان شود، مخاطب خیلی ایرادات مثل کیفیت تصویر را در نظر نخواهد گرفت. در اکثر کارهای خارجی هم این را می‌بینیم.

۱۶۸ کمی درباره عنوان فیلم هم بگویید، با سفر به تاریکی به جشنواره فیلم کودک و نوجوان رفتید. عنوان خوبی هم نبود. حالا با ساعت جادویی در فجر وارد می‌شود، علت تغییر نام چه بود؟

(با خنده) بله واقعا بد بود. معمولاً وقتی کار انیمیش است فکر می‌کنند برای کودک کار کرده‌ایم در حالی‌که مخاطب بزرگسال را هم می‌تواند درگیر کند. همه بزرگسالان یک کودک درون دارند و دوست دارند لذت ببرند. اسم کار درست نبود و فیدبک‌هایی که از جشنواره کودک و نوجوان گرفتیم نشان می‌داد اسم کار باید تغییر کند؛ به همین دلیل اسم را تغییر دادیم. چون ساعت‌المان اصلی داستان باعث می‌شود شخصیت ما در زمان سفر کند و ساعت قابلیت جادویی داشت که برای مخاطب کودک جذاب بود لذا اسمش را ساعت جادویی گذاشتیم تا این ذهنیت را بدهد که اگر این ساعت دست من باشد به چه زمانی سفر کنم. به نظر برای مخاطب اسم جذابی بود.

۱۶۹ احساس نمی‌کنید با توجه به اشتراکات اولیه با فیلم سفر جادویی، به مخاطب عجول ذهنیت بدهد درحالی‌که دنیای این دو با هم متفاوت است؟

فکر می‌کنم اگر مخاطب متصف باشد، زیاد به این موضوع فکر نکند، چون مدیوم متفاوت است ولی حرف‌تان درست است و ممکن است این شباهت روی ذهنیت مخاطب تاثیر بگذارد. به هر حال هر اسمی روی کاری گذاشته باشد احتمال دارد این بحث‌ها پیش بیاید.

۱۷۰ با توجه به این‌که این فیلم در گذشته اکران هم داشته است، چقدر نظر مخاطب را جلب کرد؟ مهم‌ترین چالشی که مخاطب در ارتباط با اثر داشت چه بود؟

ما برای این کار مخاطب کودک و نوجوان را در نظر گرفته‌ایم و فکر می‌کنم بچه‌های در حد فاصل ۹ تا ۱۵ سال به راحتی بتوانند اتفاقات فیلم را درک کنند. عامدانه هم از ایده سفر در زمان به عنوان یک ایده ماجراجویانه در روایت فیلم استفاده کردیم که این مخاطبان را با خود همراه کنیم. به واسطه ایده خیال‌پردازانه فیلم، بچه‌ها می‌توانند درک بهتری از گفته‌ها و خاطرات پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خود داشته باشند. در اصفهان پس از اکران، ما روی رده سنی کودک فیدبک خوبی دریافت نکردیم اما بچه‌های نوجوان و جوان با کار ارتباط گرفته بودند.

۱۷۱ با توجه به نگاهه، تبدیری بر اثرتان در فجر داشتید؟

در زمینه فرم کار هم برای جذابیت بیشتر، از سه قطعه موزیک ویدئو در کار استفاده کردیم؛ یکی برای معرفی کاراکتر اصلی است، یکی درباره کاراکتر منفی‌ای است که در گذشته آشوب‌هایی به پا می‌کرده است و موزیک ویدئوی سوم هم درباره کاراکترهایی است که در داستان وارد می‌شوند و خرابکاری‌هایی می‌کنند. آنها موربانه‌هایی هستند که وارد کارگاه نمدمالی می‌شوند و خرابکاری می‌کنند. اینها برخلاف کل کار که به صورت سه‌بعدی اجرا شده به صورت دوبعدی بودند. پس از اکران متوجه شدیم نوع آن موسیقی و ریتمی که در دو قطعه اول، بچه‌های دوبلور خوانده بودند حالت دکلمه داشت و مخاطبان را در سالن به وجد نیاورده بود. یعنی در آن لحظه بچه‌ها دوست داشتند دست بزنند اما



برش

ایران به بزرگ‌ترین قطب‌های منطقه تبدیل می‌شود

از کارگردان فیلم ساعت جادویی در خصوص توجه به انیمیشن در کشور در سال‌های اخیر پرسیدم و اینکه آیا توان رقابت با کشورهای مطرح یا حتی درجه ۲ در آینده برای انیمیشن‌سازان ایرانی وجود دارد؟ گفت: حقیقت این است همین الان در ایران برای پروژه‌های بزرگ کار می‌شود. هنرمندان خیلی توانمند در ایران کار می‌کنند که در پروژه‌های خارجی حضور دارند. متأسفانه عده‌ای به دلیل شرایط متفاوتی که دارند مهاجرت می‌کنند و از ایران می‌روند، ولی آنهايي که مانده‌اند ارتباطشان با جامعه بزرگ جهانی خیلی خوب است. خوشبختانه چند سالی است که این نگاه هنری از روی انیمیشن برداشته شده و یک دیدگاه صنعتی گرفته است. سرفارش دهنده و تولیدکننده به این باور رسیده‌اند که انیمیشن به‌عنوان یک صنعت می‌تواند درآمد کلان داشته باشد. به نظر من، در چند سال اخیر این اتفاق به‌خوبی شکل گرفته و چرخ انیمیشن می‌چرخد. حضور چهار انیمیشن در جشنواره فجر اتفاق بزرگی است. این‌که سال آینده ما چهار انیمیشن در اکران داریم هم اتفاق بزرگی است و هر روز این اتفاق بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. آینده‌ای که من در ذهن خودم ترسیم می‌کنم، مشروط به حمایت‌های درست و امکانات، این است که ایران به بزرگ‌ترین قطب‌های منطقه تبدیل می‌شود.



ریتم موسیقی طوری بود که انرژی را رفت می‌داد. به همین دلیل در این دو قطعه تغییرات جزئی داشتیم و ریتم کار را بالاتر بردیم. ۱۷۲ تولید این‌گونه آثار برای مخاطب جهانی چگونه است وقتی شما توجهی به مقوله فرهنگ و آیین ایرانی دارید؟ اگر یک پروژه بتواند یک بیزنس خارجی خوب داشته باشد قاعدتاً می‌تواند. چالشی که ما در بحث تبلیغات در کشور خودمان داریم همین است. معمولاً نمی‌توانیم تولیدات خودمان را به صورت عالی تبلیغ کنیم، چون آنها قبل از این‌که یک کار نمایش داده شود شروع می‌کنند به تبلیغات در جهان، که در حد بودجه ما نیست؛ اما ما به دلیل تغییرات دائمی قیمت‌ها، همان بودجه‌ای که دریافت می‌کنیم صرف تولید اثر می‌شود و نمی‌توان تمرکز بر قیمت داشت، ولی با این همه اکثر کارهایی که تولید شده پتانسیل پرزنت خارجی داشته است. بایین حال معتقدم اگر حمایت شوم این کار می‌تواند چنین قابلیتی را داشته باشد.

۱۷۳ برای اولین بار است در جشنواره فجر شرکت می‌کنید، از اهمیت این حضور برای اثرتان بگویید. چقدر دیده‌شدن در این جشنواره را تاثیرگذار در تحقق اهداف‌تان می‌دانید؟

جشنواره فجر فضایی است که هر تولیدکننده محتوایی دوست دارد در آن دیده شود. اسمال هم جشنواره فجر خدا را شکر نظر مثبتی روی انیمیشن داشت وفضا به ما داد. فکر می‌کنم دیده‌شدن در این جشنواره اتفاق بزرگی است. جدای از این‌که رویای جایزه داشته باشیم همین که در این قالب قرار می‌گیریم و به عنوان یک تریبون کار را پخش می‌کنند به نظر من رویای بزرگی است.

۱۷۴ خرابیهایی در خصوص اکران نوروزی این انیمیشن به گوش می‌رسد. به مخاطب علاقه‌مند این وعده را می‌دهید؟ خیلی مشخص نیست ولی یکی از انتخاب‌های ما نوروز است. البته همان‌طور که می‌دانید نوروز امسال همزمان با ماه مبارک رمضان است، لذا احتمال این‌که پایان ماه مبارک افتتاح اکران ما باشد زیاد است.

جام جم



یکشنبه

۱۵ بهمن ۱۴۰۲

شماره ۶۶۹۹

پرسه در کوچه‌های مجازی

رضا آشفته | نویسنده و مترجم

نقدی بر «تمساح خونی» کار جواد عزتی

فقط خوش باشید!

«تمساح خونی» نخستین ساخته سینمایی جواد عزتی انگار سربلند باشد و گام نخست این بازیگر سرشناس تئاتر، سینما و تلویزیون به سرانجامی خیر بدل شده که در پاسخ به خبرنگاری که در نشست مطبوعاتی اش در حاشیه جشنواره فیلم فجر که برسیده بودند پیامت در این فیلم چیست؟ با خنده و صریح می‌گوید: خوش باشید!

تمساح خونی یک فیلم با ژانر ترکیبی کمدی و اکشن است که بین کمدی رمانتیک تا حدی کمدی سیاه و تریلر و پلیسی در رفت‌وآمد است و در نهایت در همه اینها کامیاب است چون با نیت جذب تماشاگر ساخته و پرداخته شده و اگر قرعه خوبی نیز در زمان اکران داشته باشد حتماً یک فیلم پرفروش و شاید نیز بی‌رقیب باشد؛ چون دست‌کم سه کمدین سربلند چون جواد عزتی، سعید آقاخانی و عباس جمشیدی‌فر در آن بازی شیرین و بازمزای دارند و تقریباً هم حضورشان تازه و نواست در لباس آدم‌هایی که تاکنون بازی‌شان نکرده‌اند. شخصیت‌هایی که حالا سر از میادین قمار و بوکس حرفه‌ای به هوای پول بسیار درآورده‌اند و این خود موقعیت و خرده‌موقعیت‌های پر از زد و خورد و لحظات طنز شیرین و حتی به‌نسبت سیاه و گزنده و درعین حال رمانتیک‌ی به وجود می‌آورد و این همان نکته بازی است که فرازنشیب‌های بسیار به فیلم می‌دهد و خواه ناخواه ضربه‌گفت اثر بسیار بالا می‌رود و این خود یک عامل مهم در جذب تماشاگرانی است که از حال‌و‌هوای خسته زندگی‌گاه به سینما پناه می‌برند که هم برای شان فال باشد و هم تماشا؛ یعنی هم سرگرم و هم غرق در رویا شوند و همه زندگی را برای دقایقی به فراموشی بسپارند و البته اینها را تا پای فیلم ننشینید تجربه نخواهید کرد.

فیلم در یک قمارخانه قاچاقی در تهران آغاز می‌شود و یک دکتر و مهندس قلابی با به اینجا نهاده‌اند تا قمار کنند و حالا این دو قلابی پیش دستیار دکتر واقعی لو می‌روند و بازی از اینجا شروع می‌شود که هرچه ببرند باید نصیب او شود و تخطی از آن عامل هیجان خطوط اصلی‌تری است که سرانجام فیلم در این تعقیب‌و‌گریزهای پیوسته شکل می‌گیرد.

چون فیلم پرهیجان است در دکوپاژ به نماهای خردشده اهمیت داده‌اند و همه چیز در افت‌وخیز همین نماهای ریز و درشت دارد اتفاق می‌افتد و این بستر اتفاقات بسیار را فراهم کرده که همه چیز در دال و مدلول‌های تند و سریع به کفایت نمایشی شدن لحظات منجر شود و این قاعده بازی در یک فیلم اکشن و حرفه‌ای است که اصطلاحاً شانه به شانه فیلم‌های هالیوودی یک پیکره قابل تعقیفی را ایجاد می‌کند که اگر بخواهیم، در ایران هم می‌شود نزدیک به معیارهای جهانی فیلم بدنه تولید کرد و این راه برای خود بیش از صد سال تاریخ سینما را به دنبال دارد و بایان کامیابی می‌توان گفت که دیر به نتیجه رسید‌ایم اما داریم می‌رسیم و این همان حلقه گمشده سینمای ایران است که نمی‌تواند خارج از مرزها جاذبه‌ای برای تماشاگران بیگانه داشته باشد و البته بیشتر هم فیلم‌های هنری ما توانسته‌اند با مخاطبان الیت و نخبه کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنند و حالا می‌توان انتظار داشت که اکران تمساح خونی در کشورهای دیگر به‌ویژه همسایگان‌مان می‌تواند به فال نیک گرفته شود چنانچه فیلم مجید مجیدی تا حدی این راه را با موفقیت پیموده است.

با این تعبیر متوجه می‌شویم که تمساح خونی هیچ مناسبتی برای حضور در بخش رقابتی فیلم فجر ندارد، چون قرار نیست به دنبال طرح پرسش‌های عمیق و بنیادینی باشد. یک موقعیت پر از چالش که باید با سرانجامی خوب پایان یابد و چه‌بسا این پایان بندی چندان لطیفی برای این موقعیت با این همه چالش متفاوت نداشته باشد و تقریباً یک سوم پایانی فیلم به دنبال یک جمع بندی الکن و باهمه‌ای است که باید همه را سر جای‌شان بنشانند و این نمی‌تواند همخوان با آن دوسومی باشد که در آن قهرمانان فیلم با اراده فرمول تن دادن به شرایط ناعادلاّه و روزگی را زیر پا می‌گذارند. بنابراین باید همه چیز با همه زشت و زیباییش به ضرر اینان تمام شود و این تلخ‌کامی می‌توانست ارزش فیلم را دوچندان کند تا این‌که الان همه چیز به نفع دکتر و باتنبیه قهرمانان یک شکل اخلاقی کلیشه‌شده را بر کلیت آن تحمیل کند.

به هر تقدیر، فیلم تمساح خونی نمی‌توانست جشنواره‌ای باشد چون بر پایه کلیشه‌های موفق سینمای جهان و بانیّت جذب تماشاگران بسیار تولید شده و در ارائه محتوای نیز نگاه رو به پیش و اتفاق بیاسته‌ای را تحت مهار خود درنیاورده و می‌خواهد به‌ظاهر در یک چالش تازه و در میدان رقابت با فیلم‌هایی که در این سال هاگویی سبقت را از رقبا می‌ربایند قابل پیش‌بینی باشد و چه‌بسا این فرایند و رویا خود یک مشخصه اصلی برای این فیلم باشد که باید بخش دیگری از سینمای ما نیز به دور از فحاشی و لوده‌بازی به دنبال ساخت چنین تولیداتی برآیند که زمانه خویش را از انحطاط فرهنگی به‌وجودآمده بیرون آوردن و این نگاه نسبی و متفاوت در ارائه چالش‌های سینمایی است که می‌تواند خود تبدیل به الگو و معیار شود. کسی باور نمی‌کند که روزگاری نه‌چندان دور جواد عزتی و عباس جمشیدی‌فر از گروه‌های تئاتر خیابانی مسیر سخت و دشواری را پشت سر بگذارند و حالا یک بار دیگر در یک فیلم سینمایی به‌نسبت موفق در کنار هم هنرنمایی کنند و ارزش‌های هنری خود را به چالش درآورند و نتیجه بشود تمساح خونی....